

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادودوم

زمستان ۱۳۹۶

خاندان رازی و تحول تاریخ‌نگاری در آندلس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲

^۱ سید حسن قریشی کرین

^۲ عثمان یوسفی

^۳ مهدی شاه‌بختی

دانش تاریخ‌نگاری اسلامی در آندلس، با وجود هویت و شاکله ویژه خود، از دیگر نقاط جهان اسلام تأثیر پذیرفته است. یکی از جریان‌های اثرگذار بر تاریخ‌نگاری اسلامی در آندلس، خاندان رازی در سده سوم تا پنجم قمری/نهم تا یازدهم میلادی است که تاکنون تحقیق مستقل و جامعی درباره آنها صورت نگرفته است. این مقاله، با تکیه بر روش تحلیل وقایع، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که با توجه به بسترهای شکل‌گیری تاریخ‌نگاری آندلس، نقش خاندان رازی در زمینه انتقال تجربیات تاریخ‌نگاری به آندلس چه بوده است؟

یافته‌های این پژوهش، نشانگر آن است که از سده سوم و ابتدای سده چهارم هجری، با ورود مورخان از خاندان رازی، روش حدیثی در کنار

۱. استادیار گروه تاریخ ایران اسلامی پیام نور مرکز قم: shquorishi@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی مرکز سندج: maedeh856@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پیام نور بین‌الملل قشم: shahbakhti2020@yahoo.com

تاریخ‌نگاری واقع‌گرایانه سبک کوفی، زمینه‌ساز تحول تاریخ‌نگاری آندلس شد. گرایش به تدوین تاریخ‌های عمومی تا پایان دوره امویان در آندلس و گرایش شدید خاندان حاکم به تدوین طبقات شاعران و ادیبان و نیز تاریخ‌نگاری منظوم در اواخر عصر اموی و تقویت رویکرد عقلانی‌تر شدن، جدا از سیر تاریخ‌نگاری درباری در دوره‌های بعد را می‌توان از مهم‌ترین پیامدهای حضور خاندان رازی برشمرد.

کلیدواژگان: تاریخ‌نگاری اسلامی، خاندان رازی، احمدبن محمدبن موسی رازی، آندلس، امویان آندلس.

مقدمه

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی، به عنوان منبع آگاهی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن در گذشته، حایز اهمیت است؛ زیرا شناخت و دریافت وجوه گوناگون هر فرهنگ و تمدن، بدون دسترسی به تاریخ ممکن نخواهد بود. پیدایش مکاتب و اسلوب‌های تاریخ‌نگاری، در نوع و شیوه روایت‌های تاریخی اهمیت دارد. تاریخ‌نگاری، به مفهوم خاص آن، از سده دوم هجری شکل گرفت و یکی از این مناطق مهم در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی، آندلس است که به دلایل مختلف تا کنون بررسی دقیق و جامعی در خصوص تاریخ‌نگاری آن سرزمین طی قرون نخستین اسلامی صورت نگرفته است. به دلیل قرارداد شدن آندلس در حوزه تمدن نوین اروپایی، خاورشناسان عمدتاً در بررسی تأثیرات مستقیم و با واسطه تمدن اسلامی در این سرزمین، جانب احتیاط را رعایت می‌کنند. از این رو، با وجود انتشار تعداد معدودی پژوهش‌ها پیرامون تأثیر تاریخ‌نگاری شرق جهان اسلام در تاریخ‌نگاری آندلس، این حوزه پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد.

بنابراین، مسئله اساسی، ماهیت تاریخ‌نگاری منطقه آندلس و روند شکل‌گیری این نوع تاریخ‌نگاری در بستر کلی مناسبات فرهنگی و تمدنی حوزه جهان اسلام و در عین حال،

نقش جریان‌ها و شخصیت‌های فرهنگی و یا سیاسی در این فرایند است. در خصوص تاریخ‌نگاری آندلس، به واسطه کمبود منابع مستدل و دارای داده‌های مبسوط و مفصل، نسبت به دیگر مناطق جغرافیایی جهان اسلام اطلاعات کمتری وجود دارد. با وجود کمبود منابع و پژوهش‌های تاریخی، پرسش اساسی در این پژوهش، آن است که مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب تاریخ‌نگاری آندلس با تکیه بر روش و بینش خاندان رازی و به‌خصوص احمد بن محمد بن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ ق/ ۸۸۸-۹۵۵ م) طی سده چهارم هجری آندلس چیست؟ از این رو، آنچه ضرورت انجام این تحقیق را نمایان می‌کند، بررسی سیر تاریخ‌نگاری اسلامی و نقش جریان‌های گوناگون در فرایند تکوین تاریخ‌نگاری آندلس و شناخت علل و عوامل بنیادین در شکل‌گیری آن است.

در این زمینه، اثری که منحصراً به موضوع تاریخ‌نگاری آندلس پرداخته باشد، کتابی است مختصر از عبدالواحد ذنون طه با عنوان *نشأة تدوین التاريخ العربی فی الأندلس*^۱ که در ۷۸ صفحه به صورت گذرا و توصیفی به بررسی شخصیت‌های مهم در تاریخ‌نگاری آندلس پرداخته است. مقاله‌ای نیز با عنوان «شکل‌گیری دانش تاریخ در آندلس اسلامی»^۲ توسط دکتر رسول جعفریان در قالب تلخیص از کتاب مختصری با همین عنوان از ذنون طه، ترجمه شده است که تنها خلاصه‌ای از آن به نقش خاندان رازی اختصاص دارد. در زمینه بررسی تاریخ اجتماعی آندلس از ورود اسلام تا سده هفتم هجری، مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر تاریخ اجتماعی اسپانیای اسلامی در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن چهارم تا هفتم هجری»^۳ منتشر شده است که صرفاً به بیان جغرافیا و ویژگی‌های طبیعی و اوضاع

۱. عبدالواحد ذنون طه، *نشأة تدوین التاريخ العربی فی الأندلس*، لیبی، بنغازی: دار الدرار الاسلامی، ۲۰۰۴ م.

۲. رسول جعفریان، *شکل‌گیری دانش تاریخ در آندلس اسلامی*، برگرفته از وبگاه:

<http://www.ensani.ir/fa/content/52284/default.aspx>

۳. مریم سعیدیان جزئی، «درآمدی بر تاریخ اجتماعی اسپانیای اسلامی در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن چهارم تا هفتم هجری»، *مجله تاریخ اسلام*، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۱۸۳ - ۲۱۰.

اجتماعی آندلس پرداخته است. پایان‌نامه‌ای هم با موضوع تاریخ‌نگاری در آندلس در سده چهارم هجری با عنوان «التدوین التاريخی فی الأندلس خلال القرن الرابع الهجری»^۱ در دانشگاه ریاض انجام گرفته و تنها سه مورخ بنام این دوره و تاریخ‌نگاری آنها را مورد بررسی قرار داده است. از این‌رو، تاکنون مقاله‌ای در موضوع خاص خاندان رازی و نقش آنان در تاریخ‌نگاری آندلس منتشر نشده است.

در ادامه، به بررسی روند ورود تاریخ‌نگاری اسلامی به آندلس، و به طور خاص، نقش احمدبن محمدبن موسی رازی در سده چهارم هجری و تأثیر تاریخ‌نگاری رازی بر مورخان بعدی آندلس پرداخته می‌شود.

مبانی تاریخ‌نگاری اسلامی و چگونگی ورود آن به آندلس

با وجود حضور افراد سرشناس و پیشرو در تاریخ‌نگاری آندلس که تحت تأثیر تاریخ‌نگاری مرکز جهان اسلام و در عین حال، بر اساس روش و بینش خاص با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن سامان به تدوین تاریخ‌نگاری پرداخته‌اند، در تحقیقات عصر جدید کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در بررسی کمتر از سه سده تاریخ‌نگاری در آندلس، در درجه نخست، باید به نکته مهم تحولات درونی و بیرونی توجه داشت؛ ضمن اینکه جهان اسلام به عنوان یک کل واحد و در عین حال، حوزه‌های جغرافیایی متعدد، شبکه ارتباط درونی داشته است. از منظر تحولات سیاسی آندلس، پس از تسلط مسلمانان بر این سرزمین، والیان مسلمان به تناوب بر آن حکمرانی نمودند و این دوره، به عصر والیان شهرت یافت.^۲ به دنبال رقابت‌های درون‌خاندانی و آشفتگی در انتصاب امیر بر آندلس،

۱. أحمدبن عبدالرحمن بن أحمد الوزان، *التدوین التاريخی فی الأندلس خلال القرن الرابع الهجری*، قسم التاريخ والحضارة لنیل درجة الدكتوراه فی التاريخ الإسلامی - المملكة العربية السعودية وزارة التعليم العالی جامعة الإمام محمدبن سعود الإسلامیة كلية العلوم الاجتماعیة بالریاض قسم التاريخ والحضارة، إشراف الأستاذ الدكتور حمدبن صالح السحبانی أستاذ التاريخ الإسلامی بكلیة العلوم الاجتماعیة بالریاض ۱۴۲۵ق/ ۱۴۲۶ق.

۲. حسین مونس، *معالم تاریخ المغرب والأندلس*، ص ۳۸۶ - ۳۸۸.

عبدالرحمن الداخل (حک: ۱۶۸-۱۹۷ق)، نخستین فرد از خاندان امویان آندلس، با تسلط بر امور، عصر موسوم به «امارت» را از سال ۱۳۸ق/۷۴۹م آغاز نمود که بستر تاریخی مقطع مورد بحث در این پژوهش است.^۱ بعد از مرگ او، آندلس تا چند سده در اختیار فرزندان او قرار گرفت. در میان جانشینان او، دوره مستنصر بالله (حک: ۳۶۶-۳۰۷ق) و هشام المؤید بالله (۳۹۲-۳۵۷ق)،^۲ دوران تکامل دانش تاریخ‌نگاری بود.^۳ با مرگ هشام، حکومت مسلمانان بر آندلس در سرانشی زوال قرار گرفت؛ تا اینکه در نهایت، به سال ۴۲۲ق/۱۰۳۳م سلطنت امویان منقرض شد.^۴

اما از نظر تاریخ‌نگاری در خصوص مفهوم این دانش نزد مسلمانان طی سده اول تا سوم هجری و زمینه‌های انتقال آن به آندلس، باید به بررسی سیر مختصری از تاریخ‌نگاری جهان اسلام پرداخت. تاریخ‌نگاری اسلامی در مفهوم عام خود، در حوزه‌های جغرافیایی مختلف شکل گرفت و رشد کرد.^۵ در آغاز به واسطه توصیه‌های قرآن کریم و اعتبار روایات و احادیث نزد مسلمانان، تاریخ‌نگاری مورد توجه قرار گرفت.^۶ با گذر زمان، علم حدیث، پایه تاریخ‌نگاری شد^۷ و نوعی تقسیم کار، زمینه معرفت و احاطه بیشتر بر زیرشاخه‌های این دانش و تکامل آن شد.^۸ توجه به سمت‌نگرش و بینش تاریخ‌نگاری

۱. همان، ص ۳۰۰ - ۳۰۲؛ مقرئ تلمسانی، *المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار*، ج ۱، ص ۳۲۷ -

۳۲۸.

۲. حسین مونس، *معالم تاریخ المغرب والاندلس*، ص ۳۸۹.

۳. همان، ص ۴۰۷.

۴. همان، ص ۴۲۴ - ۴۴۳.

۵. روزنتال، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ج ۲، ص ۱۸ - ۱۹ و ۳۰ - ۳۷.

۶. علی‌بن‌حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۹۵ - ۹۶.

۷. معصومه فرشچی، «تاریخ‌نگاری اسلامی در دو قرن اول هجری»، ماهنامه تاریخ اسلام، ش ۱۳، ص ۵۰ - ۵۲.

۸. همان، ص ۴۷ - ۴۸.

ایرانی و روش سالشمار و موارد دیگر، جلب شد؛^۱ تا اینکه در سده سوم هجری، تاریخ به صورت علم مستقل درآمد.^۲ جریان اصلی تاریخ‌نگاری، در سده سوم هجری به اوج خود رسید.^۳

به دلیل مرکزیت علمی شهر مدینه، نخستین مکتب تاریخ‌نگاری در مدینه به وجود آمد. حضور صحابه در مدینه، در گرایش محققان جهان اسلام به دریافت اطلاعات از آنان و تدوین متون نخستین تاریخ نقش داشت.^۴ انگیزه دینی و لزوم استنباط احکام دینی و شرعی، سبب تدوین سیره پیامبر ﷺ شد و این تنها از جانب محدثان امکان‌پذیر بود. اخبار جنگ و وقایع دوران زندگی پیامبر ﷺ، در خلال روایات به مورخان سده‌های سوم تا پنجم هجری منتقل شد.^۵ با ترویج مکتب مدینه، تا ابتدای سده دوم هجری کاربرد لفظ «سیره» در تاریخ‌نگاری رایج شد. مکتب تاریخ‌نگاری ایرانی، پیش از اسلام دارای خصوصیات اسطوره‌ای، شفاهی و حماسی بود و به دنبال راز بسیاری از پدیده‌های طبیعی بر اساس افسانه‌ها و روایات شفاهی است.

احیای زبان فارسی و ترجمه متون به عربی در دو زمینه شعر و نثر، بر غنای ادبیات و تاریخ عرب افزود. شعر که ریشه در عنصر تخیل داشت، در برخی دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل چون: طاهریان (۲۰۵ق/۷۱۶م)، صفاریان (۲۴۵ق/۷۵۶م) و سامانیان (۲۷۸ق/۷۸۹م) رسوخ کرد. به دلیل تجربه بیشتر تاریخ‌نگاری سبک ایرانی و تأکید آن بر

۱. روزنتال، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۸۰ - ۸۱.

۲. همان، ص ۱۰۴ - ۱۰۶؛ معصومه فرشچی، «تاریخ‌نگاری اسلامی در دو قرن اول هجری»، ماهنامه تاریخ اسلام، ش ۱۳، ص ۵۲ - ۵۳.

۳. معصومه فرشچی، «تاریخ‌نگاری اسلامی در دو قرن اول هجری»، ماهنامه تاریخ اسلام، ش ۱۳، ص ۵۰ و ۵۴؛ روزنتال، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۷۰.

۴. جمشیدنژاد، غلامرضا، التعرف بطبقات الامم، ج ۲، ص ۳۶۸.

۵. روزنتال، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۸۳ - ۱۸۵.

اصل واقع‌بینی و استناد در ذکر وقایع، این سبک در تاریخ‌نگاری عراق و شام ظاهر شد و بر تحول تاریخ‌نگاری در جهان اسلام مؤثر بود.^۱ تأثیرات دیگر تاریخ‌نگاری شرقی، به واسطه تاریخ‌نگاری کوفی، به شمال آفریقا و آندلس منتقل شد. مکتب تاریخ‌نگاری کوفه، از جهتی ترکیب سنت‌های تاریخ‌نگاری و شرایط جدید بود. به سبب گسترش فتوحات و ورود عناصر قومی و تمدنی جدید به جهان اسلام، تاریخ‌نگاری قبل از اسلام مطرح شد. از این نظر، تاریخ‌نگاری کوفی ترکیبی از روش‌های اقوامی مانند: یونانی، ایرانی و سریانی بود.^۲ ترجمه آثار و روایات تاریخی سایر اقوام به لحاظ هدف، انگیزه و موضوع، سبب گسترش تاریخ‌نگاری در اسلام شد.^۳

مکتب عراق، بیش از مکتب مدینه، جنبه سیاسی و دیوانی - حکومتی داشت. مکتب عراق، با تغییرات فکری اخباریان و تاریخ‌نگاران اولیه و تحولات سیاسی - اجتماعی، تغییراتی را شاهد بود. در مکتب عراق، انگیزه قبیله‌ای قوی بود؛ اما ایرانیان نیز به ذکر احوال خود و قوم خویش می‌پرداختند. از این رو، مکتب عراق از منظر حوزه جغرافیایی به شکل‌گیری تاریخ‌نگاری محلی و سلسله‌ای و تاریخ‌نگاری امم، و در ادامه، تاریخ‌نگاری عمومی کمک کرد و از منظر معرفت کاربرد ابزاری تاریخ، بیش از مکتب مدینه که بیشتر جنبه معرفت دینی داشت، تأثیرات عمیق‌تری بر جهان غیرعرب و حوزه‌های جغرافیایی خارج از شبه‌جزیره گذاشت. این مکتب با تأثیرات لغوی و اصطلاحی، در شکل‌گیری سبک نگارش متکلف نیز مؤثر بود. انگیزه تاریخ‌نگاری در مکتب کوفی - ایرانی، صرفاً دینی نبود و فرقی و مذاهب، فتوحات و مباحث سیاسی در کنار سنت پیامبر ﷺ، اخبار قبیله‌ای و اخبار ایرانی هم مورد توجه قرار گرفت. تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی و اخبار الطوال دینوری نیز بر

۱. همان، ص ۱۸۲ - ۱۸۲ و ۱۸۶ - ۱۸۷.

۲. ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۸۶، ۱۱۲ و ۱۱۸.

۳. معصومه فرشچی، «تاریخ‌نگاری اسلامی در دو قرن اول هجری»، ماهنامه تاریخ اسلام، ش ۱۳، ص ۵۰ و ۵۴؛ روزنتال، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۷۵.

وسعت دیدگاه تاریخ‌نگاری در سراسر جهان اسلام مؤثر بودند. توجه مورخان شامی به سبک تاریخ‌نگاری کوفه، با انتقال شاخه امویان به آندلس در قالب دعوت و مهاجرت برخی از مورخان به آندلس، سبب تأثیرگذاری این مکتب بر تاریخ‌نگاری آندلس شد.

خاندان رازی و ورود تاریخ‌نگاری شرق جهان اسلام به آندلس

اهمیت خاندان رازی در تاریخ آندلس، از آن‌روست که تاریخ‌نگاری با ورود آنان به آندلس و ترویج سبک و شیوه نگارش آنها، دچار تحولی جدی شد و از این منظر، بسیاری از تاریخ‌نگاران بعدی آندلس، به گونه‌ای خود را وامدار این خاندان می‌دانند.^۱ در واقع، چند تن از افراد این خاندان، نقش مهمی در این رشته علمی داشته‌اند. راه اصلی تاریخ‌نگاری در آندلس، در سده چهارم هجری به دست احمد بن محمد بن موسی رازی همواره گردید که تولد و رشد و تعلیم و تربیت و وفاتش در آندلس صورت گرفت.^۲ در ادامه، به بررسی روند ورود آنها به آندلس و سه تن از مهم‌ترین مورخان این خاندان پرداخته می‌شود.

۱. ورود نخستین مورخ از خاندان رازی به آندلس و تاریخ‌نگاری او

نخستین اشارات تاریخی به ورود خاندان رازی به آندلس، مربوط به نیمه سده سوم هجری است. در این زمان، فردی به نام محمد بن موسی بن بشیر بن جنّاد بن لقیط رازی (متوفای ۲۷۷ق/۷۸۸م) سفری تجاری به آندلس داشت و این امر، سبب تمایل او به سفرهای بیشتر و تجارت با مردمان آندلس شد. به‌هرحال، محمد بن موسی رازی، نخستین فرد از خاندان رازی می‌باشد که در سال ۲۵۰ق/۷۶۱م وارد آندلس شد.^۳ در خصوص اصل و نسب و خاندان او در ایران و شهر ری، اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها همین معلوم است که با توجه به نام و نشان پدری و اجدادی او، تا چند نسل قبل از او مسلمان بوده‌اند.

۱. ذنون طه، تشأة تدوین التاریخ العربی فی اندلس، ص ۳۳ - ۳۴.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. ابن حیان، المقتبس من انباء اهل الاندلس، ص ۲۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰ و ۶۲.

محمدبن موسی رازی، تاجری بود که از شهر ری به مغرب و آندلس آمد و موقتاً به ایران بازگشت^۱ و در دور دوم سفر به این سرزمین و پس از مدتی، اتراق در شهرهای مهم آندلس، به تألیفاتی در خصوص تاریخ مسلمانان در آندلس همت گماشت؛ اما در حین بازگشت به ایران، وفات یافت. کتابی با عنوان *الرایات* به او نسبت داده‌اند که شرحی بر نخستین فتوحات مسلمانان در آندلس است. کتاب *الرایات* که امروزه بخش‌هایی از آن در آثار دیگران بر جای مانده، در باره اسکان قبایل در نقاط گوناگون آندلس هم مطالبی داشته است. احمدبن محمدبن موسی رازی، از این کتاب استفاده کرد. ابوبکر محمدبن عیسی بن مزین که در سال ۴۷۱ق زنده بوده، ذکر کرده است که در یکی از کتابخانه‌های اشبیلیه، کتابی با این عنوان از محمدبن موسی یافته است. بخشی از نقل‌های ابن مزین، در کتابی با عنوان *فتح الأندلس* در سال ۱۸۸۹م در الجزائر منتشر شد.^۲

۲. احمدبن رازی و تأثیر او بر تاریخ‌نگاری آندلس

احمدبن محمدبن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ق)^۳ گرچه به تعبیر مورخان بعدی، مشرقی‌الاصیل بود،^۴ اما تولد و رشد و تعلیم و تربیت و وفاتش در آندلس واقع شده بود.^۵ احمدبن محمد رازی را عالم اخبار و جغرافی‌دان بزرگ و نحوی دانسته‌اند.^۶ ابن فرضی (متوفای ۴۰۳ق)،^۷

۱. ذهبی، *سیر أعلام النبلاء*، ج ۱۲، ص ۱۰۶.

۲. همان، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.

۳. ذنون طه، *نشأة تدوین التاريخ العربی فی اندلس*، ص ۳۳ - ۳۴.

۴. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۱۰۱.

۵. همان.

۶. ابن ابار، *التکملة لکتاب الصلّة*، ج ۱، ص ۵۴.

۷. ابوالولید عبداللّه بن محمدبن یوسف ازدی، معروف به ابن فرّضی، از مورخان سبک تذکره‌نویسی در آندلس

است. (عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۵۵ - ۵۷)

در این خصوص به ستایش او می‌پردازد و او را از مهم‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ‌نگاری آندلس می‌داند.^۱ هرچند آثار ابن‌رازی از دسترس وقایع سیاسی این منطقه مصون نمانده است،^۲ به واسطه نقل قول آثار دوره‌های متأخر می‌توان به اطلاعاتی از آثار او دست یافت.^۳ مورخی که بیشترین نقش را در حفظ آثار ابن‌رازی داشته است، ابومروان حیّان بن خلف، معروف به ابن‌حیّان (متوفای ۴۶۹ق) است که رازی را موثق‌ترین راوی خود در نقل اخبار جهان اسلام و آندلس می‌داند.^۴ ابن‌فرضی نیز در ماندگاری آثار ابن‌رازی، نقش مهمی داشته است.^۵ به جز ابن‌فرضی و ابن‌حیّان، دیگر مورخان و راویان این دوره، از احمد بن محمد بن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ق/ ۸۸۸-۹۵۵م) به نیکوی و وثاقت در نگارش متون یاد کرده‌اند و ضمن نقل قول‌های متعدد، او را پدر تاریخ و جغرافیای آندلس به شمار آورده‌اند.^۶ ابومحمد علی بن احمد بن سعید بن حزم آندلسی (متوفای ۴۵۶)، و به تبع او، احمد بن محمد مقری تلمسانی (م ۹۸۶-۱۰۴۱ق) در بسیاری از روایات ترجیح داده‌اند که به احمد بن محمد بن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ق/ ۸۸۸-۹۵۵م) استناد کنند.^۷ ابوعبدالله محمد بن ابی‌نصر حمیدی (متوفای اواخر سده پنجم هجری) نیز نقل‌های بسیاری از او داشته است.^۸ به واسطه همین سلسله نقل‌های موثق، به او لقب «التاریخی»

۱. همان، ص ۳۳ - ۳۶.

۲. ابن‌حیّان، المقتبس من انباء اهل الاندلس، ص ۲۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰ و ۶۲.

۳. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

۴. ابوحیّان، المقتبس من انباء اهل الاندلس، الجزء الخامس، ص ۲۶۹.

۵. ذنون طه، نشأة تدوین التاريخ العربی فی اندلس، ص ۳۳.

۶. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۵۹؛ ابن‌فرضی، تاریخ العلماء والرواة للعلم بالاندلس، ص ۴۲.

۷. مقری تلمسانی، نفع الطیب، ج ۳، ص ۱۷۳.

۸. حمیدی، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء آندلس، ج ۱، ص ۱۶۸.

داده‌اند.^۱ البته شهرت ابن‌رازی به تاریخی، بیش از آنکه متوجه آثار او باشد، در سبک و سیاق تاریخ‌نگاری و توجه او به وثاقت و مستندسازی وقایع است.^۲

او تألیفات فراوانی در علم انساب و تاریخ و تراجم احوال داشته است. برخی آثار او، تنها با عنوان آن شناخته می‌شود و هیچ اطلاعی از آنها در دست نیست؛ همچون *تراجم اخبار علماء...* که ابن‌ابار به آن اشاره دارد و آن را جزء منابع مفقود می‌داند و معتقد است که در آن، علمای هر منطقه و حتی شهر و روستا را از یکدیگر تفکیک کرده است.^۳ ابن‌رازی، اطلاعات بسیاری در علم انساب و اعلام رجال ارائه می‌دهد. برخی از آثار او در این زمینه، عبارت‌اند از:

- *اخبار ملوک الأندلس و صفة قرطبة* که ابن‌حزم از آنها نام برده است؛^۴

- *الاستیعاب فی أنساب مشاهیر أهل الأندلس*، کتابی پنج جلدی که لسان‌الدین ابن‌خطیب (زنده در ۷۷۶ق) به آن اشاره کرده است؛^۵

- *مسالک الأندلس*، در باب راه‌های آندلس و شهرهای اصلی و مراکز شهری است؛^۶

- *اعیان الموالی بآندلس* نیز در شرح حال مسلمانان و موالیان مسیحی آنان بوده است.^۷ در کنار این منابع، برخی کتاب‌های احمد بن محمد بن موسی رازی را در آثار مورخان و یا ادبا و شعرای سده‌های بعد به صورت پراکنده می‌توان دید؛ مانند: *تاریخ اوسط فی اخبار*

۱. ذنون طه، نشأة تدوین التاريخ العربی فی اندلس، ص ۳۳؛ انور زناطی، مصادر تاریخ المغرب و آندلس،

ص ۱۱۴؛ حمیدی، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء آندلس، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۶۰ - ۶۱؛ ابن‌ابار، التكملة لكتاب الصلوة،

ص ۷؛ ابن‌فرضی، تاریخ العلماء والرواة للعلم بالاندلس، ج ۱، ص ۲۴.

۳. ابن‌ابار، الحلیة السیراء، ج ۲، ص ۱۹۵ و ۱۸۲.

۴. حمیدی، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء آندلس، ج ۲، ص ۱۸۴.

۵. ابن‌خطیب، احاطه فی اخبار غرناطة، ج ۲، ص ۱۳۲.

۶. ابن‌حزم، المحلی بالآثار، ج ۲، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.

۷. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۶۰ و ۶۴.

آندلس، تاریخ اصغر، صفة القرطبة، مسالک آندلس و مراسیها، مغازی آندلس و غیره که ابن‌الآبار (متوفی ۶۵۹ ق) و ابن‌فرضی به آن‌ها اشاره دارند؛^۱ اما سبک تاریخ‌نگاری ابن‌رازی، بیشتر در آثار ابن‌حیان نمایان می‌شود.^۲

اما آنچه به مورخان بعدی در تدوین تاریخ کمک کرد و باعث اهمیت دوچندان او شد، بهره‌گیری از سبک محمدبن‌موسی رازی در تاریخ‌نگاری و شیوه وی در تدوین تاریخ است.^۳ از نظر سلسله منابع و راویان، ابن‌رازی، نه تنها از مورخان و جغرافی‌دانان شرق اسلام استفاده نموده، بلکه از برخی هم‌عصران خود در آندلس نیز به عنوان همکار بهره گرفته است؛ از جمله، در میان روایات نقل شده از او می‌توان اخباری به نقل از پیشینیان و معاصران آندلسی او همچون: عبدالملک بن حبیب بن سلیمان بن مرداس سلمی البیری قرطبی (متوفای ۳۳۸ یا ۳۳۹ ق)، احمد بن محمد بن عبدالبر (متوفای ۳۴۱ ق) و ابن‌حارث الخشنی (متوفای ۳۶۱ ق) اطلاعاتی یافت. او با برخی از معاصران که در قید حیات بوده‌اند، مکاتباتی داشته و این روش مکاتبات، فرای روش شفاهی است که در طی سفرهای متعدد به اقصی نقاط آندلس و در محضر بسیاری از امرا و علمای این خطه صورت داده است.^۴ گفته می‌شود که احمد بن محمد رازی، از ترجمه‌های عربی در تألیفات خود و به زبان عربی استفاده کرده و علاوه بر آن، از منابع دیگری هم بهره گرفته و بخش جغرافیایی کتاب تاریخ آندلس خود را فراهم آورده است. این، قاعده‌ای بود که دیگران هم بعد از او رعایت کردند.^۵ مورخان آندلس بر اساس سبک ابن‌رازی، اول جغرافیای آندلس و سپس، تاریخ آن را ذکر می‌کردند.^۶

۱. برای مثال، ن. ک: ابن‌آبار، التکملة لکتاب الصلّة، ج ۱، ص ۲۳۲؛ مقری تلمسانی، نفع الطیب، ج ۳، ص ۱۷۴.

۲. ابن‌فرضی، تاریخ العلماء والرواة للعلم بالاندلس، ج ۱، ص ۴۲.

۳. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۷۱ - ۷۵.

۴. همان، ص ۶۷ - ۶۸.

۵. ابن‌خطیب، احاطة فی اخبار غرناطة، ج ۲، ص ۱۳۳؛ ابن‌آبار، التکملة لکتاب الصلّة، ج ۱، ص ۲۳۲.

۶. عبدالواحد شعیب، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس، ص ۷۳.

محققان جدید بر این باورند که مهم‌ترین ویژگی تاریخ‌نگاری احمد بن محمد بن موسی رازی، این است که تلاش کرد طرح منطقی برای نگارش تاریخ بیاورد و چارچوب صحیح روشمندی را در این زمینه ارائه کند.^۱ نتیجه تلاش‌های او، سبب شد که در دانش تاریخ و نگارش آن، صاحب مکتب تازه‌ای برای هم‌عصران آندلسی خود شود. طرحی منطقی و واقع‌گرا که این مورخ سرشناس در انداخت، مبنایی برای مورخان پس از او در آندلس شد و مورخان بعدی تا پایان حکومت اسلامی در آندلس، هریک به نوعی از او الهام گرفتند.^۲ هرچند در بسیاری از زمینه‌ها همچون بسیاری از نظریه‌پردازان تاریخ نتوانست حوزه نظری و تجربی نگارش تاریخ را به یکدیگر نزدیک کند و نظریات خود را در صفحات تاریخ و در لابه‌لای متون بگنجانند، اما به هر حال، در اثر تاریخی او، گوشه‌هایی از سبک نوین تاریخ‌نگاری جدیدش نمایان است.

رازی در مهم‌ترین کتاب تاریخی خود، با عنوان *اخبار ملوک ال‌اندلس والاستیعاب فی انساب مشاهیر اهل ال‌اندلس*، گوشه‌هایی از تاریخ‌نگاری مورخان شرق جهان اسلام را ارائه کرد. کتاب او، در پنج جلد است که به بررسی مجزای مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی و اداری آندلس و هم‌زمان به معرفی شخصیت‌های مؤثر و بزرگان مسلمان آندلس، به‌خصوص عالمان دینی و فرهنگی می‌پردازد.^۳ اهمیت این کتاب، در اینجاست که در کنار روش روزشمار و پیوند تاریخ و جغرافیا و تاریخ و انساب، سبک دائرة المعارف را به اروپا معرفی کرد و برای نخستین بار یک اثر جامع در زمینه‌های خاصی از تاریخی ارائه نمود.^۴

۱. همان، ص ۶۹ و ۷۲.

۲. یاقوت حموی، *معجم الأدباء*. ج ۴، ص ۲۳۴ - ۲۳۶؛ عبدالواحد ذنون طه، *حركة المقاومة العربية الإسلامية فی ال‌اندلس*، ص ۹۹.

۳. مقرئ تلمسانی، *فتح الطیب*، ج ۳، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

۴. ذنون طه، *نشأة تدوین التاريخ العربي فی اندلس*، ص ۴۲ - ۴۷.

جامعیت این اثر، سبب شد که مورخان بعدی، از آن استفاده برده، به او استناد بدهند.^۱ مورخان و معجم‌نویسان جهان اسلام، بخش مهمی از اطلاعات تاریخی و جغرافیایی خود را در حوزه آندلس به این متن مدیون هستند.^۲ این کتاب، مهم‌ترین منبع در شناخت تاریخ و جغرافیایی آندلس بوده که همچون دیگر آثار او، در زمان فتنه‌های ناشی از جنبش ریکانکوئیسیم^۳ یا بازپس‌گیری آندلس توسط اروپاییان، از بین رفت.^۴ از متون برجای‌مانده، چنین برمی‌آید که سبک او در تاریخ‌نگاری، بر اساس دودمان‌ها بوده است؛ هرچند گاه به سال رویدادها نیز اشاره کرده است.^۵ ابن‌رازی در اخبار خود بسیار دقیق بوده و خبری که نقل می‌کند، علاوه بر روش سالشمار و تکیه بر مکان و زمان دقیق رویداد، سال و ماه و روز آن را با حروف عربی معین می‌کند.^۶ نمونه‌های دقت دیگری هم در اخبار او مشاهده می‌شود.^۷ همچنین، او به نقل اخبار اکتفا نکرده، گاه از خود ابراز نظر می‌نماید و دلیل اختلافات و نزاع‌ها و نتایج آنها را بیان می‌کند.^۸ بخشی از کتاب *مسالك الأندلس* باقی‌مانده که البته نصّ عربی آن در دست نیست. درحال حاضر، چهار جزء از کتاب *المقتبس* با چهار ناشر مختلف منتشر شده است. ظاهراً بخش‌هایی از کتاب‌های احمد بن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ق/۸۸۸-۹۵۵م) به زبان‌های اروپایی و به نام *التاریخ* به دیگر مورخان آندلسی منتسب شده است.^۹

۱. ضبی، *بغیة الملتمس فی تاریخ رجال اهل الأندلس*، ص ۱۵۱؛ ابن‌ابار، *التکملة لکتاب الصلّة*، ج ۱، ص ۲۴۵؛ همان، ج ۲، ص ۳۶۶.
 ۲. به نقل از: *بالتسلیا، تاریخ الفکر الاندلسی*، ص ۱۹۷.

3. Reconquism.

۴. عبدالواحد ذنون طه، *حرکة المقاومة العربیة الاسلامیة فی الاندلس*، ص ۱۰۵.
 ۵. ابن‌حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ص ۱۳۲ و ۲۷۷.
 ۶. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخیة و مناهجها فی الأندلس*، ص ۷۳ - ۷۵.
 ۷. همان، ص ۷۹ - ۸۰.
 ۸. همان، ص ۸۰ - ۸۲.
 ۹. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخیة و مناهجها فی الأندلس*، ص ۱۱۶ - ۱۱۹.

۳. عیسی بن احمد بن محمد رازی و تاریخ نگاری او

با درگذشت احمد بن محمد رازی، دانش تاریخ از این خاندان بیرون نرفت. فرزندش عیسی بن محمد بن موسی رازی (۳۳۸-۳۷۹ق/۹۴۹-۹۹۰م)، کار را ادامه داد و کتابی در تاریخ آندلس برای المستنصر اموی (متوفای ۳۶۶ق) نوشت. اهمیت او در تاریخ نگاری آندلس، در تثبیت روش و بینش تاریخ اجداد خود در این زمینه است. دو کتاب هم با عنوان *الوزراء والوزارة فی الأندلس* و دیگری با عنوان *الحجاب للخلفاء فی الأندلس* نوشت. او تمام هم و غم خود را به تکمیل آثار و دیدگاه‌های تاریخ نگاری پدرش در آندلس معطوف کرد و تلاش داشت که کار پدرش را در تدوین تاریخ آندلس ادامه دهد. او به جز تکمیل و انتشار آثار پدرش، کتابی در زمینه تاریخ آندلس با عنوان *تاریخ تدوین کرد*. به نظر می‌رسد که عیسی به ذیل و تکمیل نویسی بر کار پدرش در *تاریخ ملوک آندلس* اکتفا نکرد؛ بلکه خود از آغاز حضور عرب در آندلس شروع به نگارش تاریخ آن دیار کرد. این اثر نیز امروزه در دسترس نیست؛ اما از رونوشت‌هایی که در چند جای دیگر و در آثار مورخان بعدی از او صورت گرفته است، می‌توان به اهمیت این کتاب در بررسی تاریخ نگاری آندلس پی برد. هرچند کتاب *تاریخ* از بین رفته، اما مطالب کتاب ابن ابار در این زمینه می‌تواند در بازآفرینی متن *تاریخ عیسی بن احمد رازی* کمک کند.^۱ بسیاری دیگر از مورخان قرون پنجم و ششم هجری و حتی مورخان غیر آندلسی در شمال آفریقا، به آثار او اشاره داشته‌اند؛ برای نمونه، ابن حیان در موارد گوناگون، از عیسی بن احمد رازی نقل قول نموده و ذکر کرده است که در کتاب *تاریخ عیسی بن احمد بن محمد رازی*، مطالبی را یافته است^۲ که در دیگر متون تاریخی یافت نشده است. دیگر مورخان نیز بارها از کتاب *تاریخ عیسی رازی* نام برده‌اند.^۳

۱. ابن ابار، *التکملة لکتاب الصلوة*، ص ۱۳۸.

۲. ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ص ۳۲۹.

۳. به نقل از: عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخیة و مناهجها فی الأندلس*، ص ۵۵ - ۵۶.

اطلاعات او نشان می‌دهد که او نیز آندلس و شهرها را به‌خوبی می‌شناخته و در نگارش تاریخ شهرها، با تاریخ کهن آنها نیز آشنا بوده است. او اخباری هم از شاهان اسپانیایی که در حدود مرزی با عرب می‌زیستند، به دست داده و آن اخبار نشان می‌دهد که از آنچه در آن نواحی می‌گذشته، خبر داشته است. اخباری از او را مقری در *نفع الطیب* و ابن حیان در *المقتبس* آورده‌اند. در عرصه داخلی، عیسی باید بر کتاب‌های پدر خود فراوان تکیه کرده و بهره برده باشد. همین طور، از آنچه بر جای مانده، چنین معلوم می‌شود که او از نویسندگان دیگر استفاده کرده است. وی، شخصی است که علاقه‌اش به ادب و تاریخ روشن بوده، آثاری هم در این زمینه داشته است. یکی از معروف‌ترین آثار او، *طبقات الكتاب فی آندلس* است. فرج‌بن سلام قرطبی که او هم به شعر و ادب و اخبار شناخته شده، از دیگر منابع عیسی بن احمد است. او در آثار خود، از نامه‌های رسمی دربار اموی که از جای‌های گوناگون می‌رسیده یا فرستاده می‌شد، یاد کرده است.^۱ این امر، نشان می‌دهد که او به آن رسائل دسترسی داشته است. بر پایه آثار ابن حیان که بیشترین اقتباس را از خاندان رازی داشته، چنین به دست می‌آید که عیسی بن احمد حوادث را به روش سالشمار می‌نوشته است؛ چنان که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در *المقتبس* ابن حیان ملاحظه کرد.^۲

تأثیر سبک تاریخ‌نگاری خاندان رازی بر تاریخ‌نگاری آندلس در سده‌های بعد

طی سه قرن حضور خلفای اموی (۱۳۸-۴۲۲ق/۷۴۹-۱۰۳۳م)،^۳ شخصیت‌های تأثیرگذار در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی ظهور نمودند. در این زمینه، خاندان رازی در تاریخ‌نگاری

۱. همان، ص ۵۶.

۲. ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ص ۳۲۸ - ۳۲۹.

۳. ابن ابار، *التکملة لکتاب الصلّة*، ص ۲۱۷ - ۲۱۸؛ همو، *الحلیة السیراء*، ج ۱، ص ۴۸۶ - ۴۸۷؛ همان، ج

۳، ص ۳۸۰.

سده چهارم و پنجم هجری آندلس تأثیر داشتند. محققان اخیر، به بینش روایی و تحلیلی ابن رازی، بیش از دیگر جنبه‌ها تأکید دارند.^۱ ابن رازی در سفر به شهرهای مختلف، هم‌زمان از چند راوی نقل کرده، به تحلیل هریک می‌پردازد. این روش، در آثار ابن حیان و ابن فرضی اقتباس شد؛ به‌خصوص ابن حیان که بیشترین نقل روایت را از ایشان داشته است و او را از صادق‌ترین افراد در نقل اخبار می‌داند.^۲ ابن رازی، طبق نقل‌های ابن حیان در بررسی تاریخ خاندان حاکم نیز به مصاحبه حضوری پرداخته است.^۳ ذکر وقایع در قالب روز و ماه و سال، به دقت و عینیت بیشتر پدیده‌های گذشته کمک می‌کند. بیان دقیق زمان وقوع حوادث توسط اغلب مورخان بعد از او، مورد استفاده قرار گرفت.^۴ در روش سالشمار، ابتدا سال وقوع چند حادثه مشخص را در قالب اعداد و حروف عربی ذکر می‌کنند^۵ و در ذیل آن، به بیان وقایع مرتبط می‌پردازند.^۶ برخی مورخان آندلس که به تواریخ عمومی روی آورده‌اند، بیش از دیگران بر اساس روش سالشمار به ثبت وقایع پرداخته‌اند.^۷ از این منظر، تواریخ آندلس برای جهت‌دهی تواریخ بعدی، چه در سرزمین‌های مسیحی و چه در تواریخ شمال آفریقا، کمک کرد.^۸ در اغلب تواریخ بعد از ابن رازی، به این نکته اشاره شده

۱. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية ومناهجها فی الأندلس*، ص ۵۶.

۲. ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ص ۹۵ - ۹۶ و ۳۲۱.

۳. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية ومناهجها فی الأندلس*، ص ۷۰.

۴. ذنون طه، *نشأة تدوین التاریخ العربی فی اندلس*، ج ۱، ص ۳۱؛ مقرئ تلمسانی، *نفع الطیب*، ج ۱، ص ۲۵۹.

۵. ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ص ۳۴ و ۳۷.

۶. همان، ص ۲۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰ و ۶۲.

۷. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية ومناهجها فی الأندلس*، ص ۷۱.

۸. علی‌اکبر ولایتی، *شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، ج ۱، ص ۷۲۳؛ سجادی و عالم زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۱۱۸.

است که ابن‌رازی، به زمان و مکان وقوع حوادث اشاره داشته و توصیف مکان وقوع حوادث برای او اهمیت دارد؛^۱ برای مثال، در ذکر یک حادثه خاص، از طَلِيْطَلَه و یا قُرْطَبَه و یا علت یابی شکست یا پیروزی در یک جنگ یا رقابت درون خاندانی به موقعیت جغرافیایی و آب و هوای زمان وقوع حادثه تأکید دارد^۲ و یا در جای دیگر، در نقل رویدادی از قرطبه اشاره دارد که آب و هوای این منطقه، چهار فصل و معتدل است.^۳ تلفیق دانش تاریخ و جغرافیا و پیوند و یا به کارگیری دانش‌های بشری در تاریخ‌نگاری، نشان می‌دهد که مورخان آندلس به نقش موقعیت جغرافیایی در تحولات تاریخی و به بیان دیگر، نقش مکان به عنوان یکی از سه رکن اصلی ایجاد و تحول در پدیده‌های تاریخی واقف بوده و به علم مکان و یا جغرافیا علاقه داشته‌اند. یکی از دلایل توجه به جغرافیا، به‌خصوص از سده سوم هجری، در موقعیت آندلس نهفته است.^۴

یکی از شاخه‌های این علم با عنوان صحابه‌نگاری، اهمیت دارد. صحابه‌نگاری که از ابتدای اسلام در کنار علم سیره و حدیث رشد کرد و از شاخه‌های علم رجال شد و به تدریج به عنوان یکی از روش‌های تأیید روایات و تحلیل وقایع تاریخی صدر اسلام و حتی در تأیید یا ردّ برخی تصمیمات و وقایع عصر مورخ مورد توجه قرار گرفت. فقه، حدیث و تاریخ، با واسطه علم بررسی صحابه تقویت شد و در این مسیر، متون بسیاری تألیف گردید.^۵ روش رازی در نقل سلسله‌نسب اشخاص و قبایل، با روش مستند و با ذکر روایات مکتوب یا شفاهی، در منابع بعدی مورد استفاده قرار گرفت. این روش، در کتاب *الإستیعاب، علماء آندلس، المقتبس و دیگر آثار مهم دوره‌های بعد مشاهده می‌شود.*^۶

۱. ابن سعید، *رایات المبرزين*، ج ۲، ص ۷۵.

۲. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۷۲؛ ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، ج ۵، ص ۳۱۸ - ۳۱۹.

۳. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۷۳.

۴. همان.

۵. ابن سعید، *رایات المبرزين*، ج ۱، ص ۱۱۷.

۶. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۷۳.

بسیاری از مورخان بعدی، در بحث شناساندن اقوام قبل از اسلام در سرزمین‌های اروپا و آفریقا به مسلمانان در حوزه شبه‌جزیره و مصر اعتماد داشته‌اند. ضمن اینکه توجه او به اقوام اروپایی و ترجمه این متون در اروپای سده‌های بعد، سبب شد که نقش او در شناساندن اقوام مسلمان به اروپاییان نیز اهمیت یابد. بیان علل وقوع حوادث و نقد برخی جنبه‌های مثبت و منفی حوادث و شخصیت‌های تاریخی، از سده چهارم هجری و با ورود خاندان رازی به عرصه تاریخ‌نگاری آندلس در این سرزمین رواج یافت و البته طی یکی دو سده بعد از آن، تقویت شد.^۱ بسیاری معتقدند که این سبک، یعنی نگاه به گذشته و جست‌وجو در متن وقایع برای علت‌یابی عوامل مختلف بروز یک حادثه، تأثیر عمیقی بر تاریخ‌نگاری اروپای سده‌های بعد داشته است.^۲ او حتی در بیان نقد برخی از علمای سرشناس آندلس و امرای اموی نیز جنبه انتقادی روایت تاریخی خود را حفظ کرده و از نقد شخصیت‌های سیاسی ابایی ندارد.^۳

مورخان آندلس، شیوه‌ای معتدل داشته و اطلاعاتی از جمله خطبه و وصایا و نامه رسمی برخی والیان و امرای محلی را ذکر کرده‌اند^۴ و در ذکر مطالبی که برای مورخان مسئله‌ساز بوده، میانه‌روی داشتند و جنبه محافظه‌کاری را رعایت می‌نمودند. در مورد حوادث جنگ‌ها و به‌خصوص شکست‌های امویان در برابر برخی شورشیان و یا در برابر مسیحیان، فراتر از مرزها به سکوت ترغیب شده‌اند؛ هرچند برخی از مورخان که خاستگاهی شرقی دارند، به‌گونه‌ای، از مناطق شرقی، از مصر و یا ایران و حجاز به آن

۱. ابن حیان، *المقتبس من انباء اهل الاندلس*، الجزء الخامس، ص ۶۹؛ ابن عذاری المراكشي، *البیان المغرب*

فی اخبار الاندلس والمغرب، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. طاهر احمد مکی، *دراسات اندلسية فی الأدب والتاریخ والفلسفة*، ص ۱۸۱ - ۱۸۳، ۲۱۶ - ۲۱۸ و ۲۳۰ - ۲۳۳.

۳. یاقوت حموی، *معجم الأدبا*، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴. دوزی، *تاریخ مسلمی اسپانیا*، ص ۵۲.

سرزمین مهاجرت کرده‌اند.^۱ خاندان رازی، علاوه بر دیدگاه‌های خاص بی‌طرفانه، نوعی اجبار نیز در برخی کتمان‌های عقیدتی داشته‌اند. از این‌رو، سعی در بی‌طرفی دارند و نویسنده در این‌گونه موارد، تلاش کرده تا گرایش‌های مذهبی و سیاسی خود را در نوشته‌هایش دخالت ندهد. برای سرپوش گذاشتن بر بعضی دیدگاه‌های خاص خود و یا انتقاد از دیدگاه رایج، به زبان کنایه‌آمیز شعر و یا تعبیر و اصطلاحات قرآنی و احادیث روی آورده‌اند.^۲ برخی در ذکر روایات متفاوت از یک رویداد، از جمله «والله اعلم» بسیار استفاده می‌کنند و این، در بخشی که به تاریخ اروپا و جهان اسلام می‌پردازند، بیشتر به چشم می‌خورد و نشان از تردید یا نقد مورخان آندلس در باره روایات مکتوب یا شفاهی منابع یا ناکافی بودن آنها دارد.^۳

کاربرد اشعار و صنایع ادبی در تاریخ‌نگاری، بیش از همه در وصف موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف چون مساجد و شهرها و یا شخصیت‌های مطرح، کاربرد بیشتری داشته است؛ حتی در بیان برخی خصلت‌های اخلاقی شخصیت‌های هم‌عصر یا اخلاف خود و بیان ویژگی‌های آنان یا در مرثیه و سوگ فوت آنان، اقدام به بیان قطعاتی از اشعار عربی در قالب‌های شعری رایج پرداخته است و این سبک، هرچند در میان برخی از شاعران قبل از او رواج داشت، اما ورود برخی اصطلاحات بدیع و الفاظ مسجع که خاص متون سده چهارم و پنجم هجری است، از دوره رازی به بعد، در ادبیات این سرزمین رواج یافت.^۴ روش بهره‌گیری از قالب‌های شعری در بیان وقایع عصر، به‌هرحال، در نیمه دوم سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم هجری به اوج خود رسید و شاعران بسیاری مسیر نقل

۱. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۵۲ - ۵۶ و ۶۱ - ۶۴.

۲. همان، ص ۷۷ - ۷۹.

۳. ذنون طه، *نشأة تدوین التاریخ العربی فی اندلس*، ص ۱۷۰ - ۱۷۴.

۴. عبدالواحد شعیب، *الکتابة التاریخية و مناهجها فی الأندلس*، ص ۸۴ - ۸۵.

روایات تاریخی را در قالب‌های شعری و منظوم در پیش گرفتند.^۱ روش تاریخ‌نگاری رازی در ارجاع‌دهی، به این گونه است که برای مثال، ذکر می‌کند: «روی ابن حارث الخشنی عن أحمد بن زیاد (م ۳۲۶ ق/ ۹۳۷ م) عن محمد بن وضاح (م ۲۸۷ ق/ ۹۰۰ م) عن يحيى الليثي (م ۳۳۴ ق/ ۸۴۸ م).»^۲ با مراجعه به این نقل‌ها، می‌توان اهمیت متون یادشده را به دست آورد. رازی به احتمال، از اخبار مشرق اسلامی هم بهره برده است؛ اخباری که برخی از تابعانی که در فتوحات آن ناحیه دست داشتند، آنها را نقل نموده و در شرق منتشر کرده بودند.

بدین ترتیب، باید گفت تاریخ‌نگاری در این وقت در آندلس، در پیوند با تاریخ‌نگاری در شرق اسلامی بوده است. این ارتباط، با رفت‌وآمد علما به عراق و حجاز وجود داشت؛ چنان‌که قاسم بن أصبغ بیانی در سال ۲۷۴ ق/ ۸۸۸ م، یعنی سال تولد احمد بن محمد بن موسی رازی، به مشرق آمد و مشایخ را ملاقات کرد و آثار و مؤلفات آنان را دید و آن نقل‌ها را به شاگردانش در آندلس انتقال داد. بسیاری از اخبار احمد بن محمد بن موسی رازی، صرفاً آندلسی است و به نظر می‌رسد که از آثار فراوانی که اندکی پیش از او یا معاصر با او تألیف شده بوده، بهره برده باشد؛ برای مثال، او از کتاب محمد بن حارث خشنی تحت عنوان *قضاة قرطبة والفقهاء والقضاة بقرطبة والاندلس* از احمد بن محمد بن عبدالبر (متوفای ۳۴۱ ق/ ۹۵۳ م) استفاده کرده است. این اشاره، در کتاب *المقتبس*^۳ آمده است.^۴ رازی از اخبار روزگار خود هم فراوان آورده که از آن جمله، رخداد‌های مربوط به زمان عبدالرحمان داخل است که از

۱. مکی، *دراسات اندلسية في الأدب والتاريخ والفلسفة*، ص ۲۴۰ - ۲۴۳ و ۲۵۳ - ۲۵۵.

۲. ابن سعید، *رایات المبرزين*، ج ۱، ص ۴۴.

۳. مکی، *دراسات اندلسية في الأدب والتاريخ والفلسفة*، ص ۳۹.

۴. ابن خیر اشبیلی، *فهرسة مارواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم وانواع المعارف*،

سال ۳۰۰ تا ۳۵۰ هجری خلافت کرد. همین طور، از مالیات‌های جاری هم اطلاعات قابل توجهی به دست داده است.^۱

مورخانی را که از احمدبن محمد موسی رازی نقل کرده‌اند، در طیف‌های گوناگون می‌توان تقسیم کرد. اگرچه بسیاری از این تواریخ در اختیار ما نیست، اما به هر حال، در بررسی سیر حوادث تاریخی دوره‌های گوناگون اهمیت داشته و مطالب آنها در منابع دیگر و به سبک بیان سلسله‌مراتب راویان و به سبک حدیثی، بیان شده است. در واقع، نقشی که علم حدیث در تاریخ‌نگاری اسلامی داشته است، کمک شایان توجهی به شناخت محتوا و میزان وثاقت هر اثر با توجه به سلسله‌مراتب راویان آن دارد. کتاب *العبر* از ابوبکر بن ابی‌الفیاض، معروف به ابن‌العشاء (۳۷۹-۴۵۹ق)، امروزه در دسترس نیست؛ اما بررسی سلسله راویان وقایع در متون بعدی مشخص می‌کند که به واسطه ابن‌حیان، مطالب زیادی از آثار احمدبن محمدبن موسی رازی برگرفته شده است. از این رو، با بررسی این راویان دانسته می‌شود که در دوره‌های بعد، مورخان متعددی از رازی نقل کرده‌اند و بخش مهمی از آثار خود را از کتاب‌های او برگرفته‌اند.

نتیجه

بررسی تاریخ‌نگاری آندلس، نشان می‌دهد که ترکیب هویت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی و نیازهای نوین جامعه در کنار رسوخ سبک‌های تاریخ‌نگاری شرق جهان اسلام با تعامل عناصری از شرق جهان اسلام و حکمرانان آندلس، در شکل‌گیری مفهوم تاریخ‌نگاری در آندلس مؤثر بودند. تاریخ‌نگاری آندلس، پس از اخذ مبانی و مفاهیمی از شرق جهان اسلام و در بستری از تعامل با تاریخ‌نگاری شرق، در ابتدا دارای ابعاد فراتجربی و افسانه‌ای بود.

۱. حسین مونس، *فجر الأندلس*، ص ۲۸ - ۲۹.

مورخان نخست آندلس، به دنبال بزرگ‌نمایی شخصیت فاتحان آندلس از ابتدای ورود اسلام بودند. در ادامه، از سده سوم و ابتدای سده چهارم هجری، با ورود عناصری جدید، به‌خصوص مورخان جدید از خاندان رازی، روش حدیثی در کنار تاریخ‌نگاری واقع‌گرایانه سبک کوفی، زمینه‌ساز تحول تاریخ‌نگاری آندلس شد. ورود احمد بن محمد بن موسی رازی و پیروان او در آن سرزمین و گرایش به تدوین تاریخ‌های عمومی، تأثیری عمیق بر تاریخ‌نگاری آندلس گذاشت. این نوع نگرش، تا پایان دوره امویان در آندلس به حیات خود ادامه داد.

در سال‌های پایانی عصر خلافت امویان به دلیل گرایش شدید خاندان حاکم به طبقات شاعران و ادیبان، نوع خاصی از تاریخ‌نگاری منظوم در قالب اشعار نمودار شد که می‌توان سیر تاریخ درون دربار را البته از زاویه‌ای خاص مورد بررسی قرار داد و هم‌زمان تاریخ‌نگاری، روند عقلانی‌تر شدن را جدا از سیر تاریخ‌نگاری درباری دنبال کرد و این عقلانی‌شدن بینش مورخان را با مطالعه آثار تاریخی تدوین‌شده در سده پنجم تا هشتم هجری و ظهور شخصیت‌هایی چون: ابن حیان، ابن حزم، ابن فیاض و ابن خلدون می‌توان دید. هریک از این موضوعات مرتبط با تاریخ‌نگاری سده پنجم تا هشتم آندلس، در جای خود قابل بررسی است و جا دارد محققان به انجام پژوهش‌های مرتبط با این حوزه اهتمام ورزند.

منابع

۱. ابن ابار، *الحلیة السیراء*، به کوشش: حسین مؤنس، قاهره: دار الکتب العربیة، ۱۹۶۳م.
۲. ابن حزم، علی، *المحلی بالآثار*، بیروت: ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
۳. ابن حیان، محمد، *المقتبس من انباء اهل الآندلس*، الجزء الخامس، به کوشش: پ. شالمتا، مدرید: ۱۹۷۹م.
۴. —، *المقتبس من انباء اهل الآندلس*، بیروت: به کوشش محمود علی مکی، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م.
۵. ابن خطیب، لسان‌الدین محمد، *احاطة فی اخبار غرناطة*، تحقیق: محمد عبدالله عنان، قاهره: مکتبۃ الخانجی، ۱۹۷۷م.
۶. ابن خیر اشبیلی، محمد، *فهرسة مارواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم و انواع المعارف*، فرانسیسکو کودرا و ریبرا تاراگو، بیروت: ۱۳۹۹ش.
۷. ابن سعید، علی، *رایات المبرزین*، به کوشش: نعمان عبدالمتعال القاضی، قاهره: ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م.
۸. ابن عذاری المراكشی، احمد بن محمد، *البيان المغرب فی اخبار الآندلس و المغرب*، تحقیق و مراجعه: ج. س. کولان، بیروت: ۱۹۶۰ و ۱۹۹۸م.
۹. ابن فرضی، عبدالله، *تاریخ العلماء و الرواة للعلم بالآندلس*، به کوشش: سید عزت عطار حسینی، قاهره: ۱۹۸۹م.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق: محمدرضا سجده، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ش.
۱۱. انور زناطی، انور محمد، *مصادر تاریخ المغرب و آندلس*، [بی‌جا]: دار سحر للنشر، ۲۰۰۸م.
۱۲. جعفریان، رسول، *شکل‌گیری دانش تاریخ در آندلس اسلامی*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۳. جمشیدنژاد، غلامرضا، *التعرف بطبقات الأمم*، به کوشش: قاضی ساعد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶ش.
۱۴. حمیدی، محمد، *جدوة المقتبس فی تاریخ علماء آندلس*، به کوشش: محمد بن تاویت الطنجی، قاهره: ۱۳۷۱ق/۱۹۵۲م.

۱۵. دوزی، تاریخ مسلمی اسپانیا، ترجمه: حسن حبشی، قاهره: ۱۳۴۲ق.
۱۶. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش: شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت: ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶م.
۱۷. روزنتال، تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه آیتی، تهران: ۱۳۶۵ش.
۱۸. سجادی و عالمزاده، تاریخ نگاری در اسلام، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶ش.
۱۹. عبدالواحد ذنون طه، نشأة تدوین التاريخ العربی فی آندلس، بنغازی: دار الدرار الاسلامی، ۲۰۰۴م.
۲۰. فرشچی، معصومه، «تاریخ نگاری اسلامی در دو قرن اول هجری»، ماهنامه تاریخ اسلام، ش ۱۳، ۱۳۸۲ش.
۲۱. سعیدیان جزی، مریم، «درآمدی بر تاریخ اجتماعی اسپانیای اسلامی در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن چهارم تا هفتم هجری»، مجله تاریخ اسلام، مقاله ۷، دوره ۱۳، ش ۱، مسلسل ۴۹، بهار ۱۳۹۱ش.
۲۲. شعیب، عبدالواحد عبدالسلام، الكتابة التاريخية و مناهجها فی الأندلس؛ خلال عصری الخلافة والطوائف، رباط: دارالامان، ۲۰۱۴م.
۲۳. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
۲۴. مقرئ تلمسانی، احمد، المواعظ والإعتبار فی ذکر الخطط والآثار، به کوشش: گاستون ویت، قاهره: ۱۹۱۳م.
۲۵. مکی، طاهر احمد، دراسات آندلسیة فی الأدب و التاریخ و الفلسفة، قاهره: دار المعارف، ۱۹۸۰م.
۲۶. ولایتی، علی اکبر، شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۲ش.

